

## اعلامیه مطبوعاتی

### شکست سیاست آلمان در افغانستان

(ترجمه)

بعد از این که طالبان ارگ ریاست جمهوری را بدون کدام درگیری و مقاومت به تاریخ 15/08/2021 تسخیر کردند، دولت آلمان چاره‌ای جز پذیرش علنی شکست سیاست خود در قبال افغانستان نداشت. سقوط کامل دولت دست نشانده در کابل که تغییر رژیم را در پی داشت، بدون شک ثابت می‌کند که سیاست خارجی و امنیتی آلمان باید از نقطه صفری خویش دوباره تنظیم گردد و باید از ساختار اتحاد نامتعادل کنونی خارج شود. یگانه راه برای جلوگیری از شکست بعدی و ایجاد روابط جیوپولیتیکی مثبت با سرزمین‌های اسلامی، اتخاذ یک جهت استراتژیک جدید است.

اگرچه بحث‌های عمومی فعلی با موضوع تخلیه شهروندان آلمان و همکاران محلی افغان تحت کنترل است، ولی باز هم بحث اساسی در مورد جهت آینده سیاست خارجی و امنیتی آلمان در دهلیزهای سیاسی برلین آغاز و در حال شکل‌گیری می‌باشد. نمایندگان دولت با وجود این که چیزی از دست شان ساخته نیست، اما به نتیجه نامیدکننده طولانی‌ترین ماموریت نظامی در تاریخ جمهوری فدرال آلمان اعتراف می‌کنند. وزیر خارجه آلمان آقای هایکو ماس به تاریخ 16/08/2021 اظهار داشت: "تحولات روزهای اخیر بسیار تلخ و دردآور است و عواقب ناگوار زیادی بالای منطقه و هم‌چنین بالای ما خواهد داشت. از هر طرفی که نگرسته شود راه حلی برای بهبود وضعیت دیده نمی‌شود، همه ما - دولت فدرال، نهادهای استخباراتی و جامعه بین‌المللی - در مورد وضعیت اشتباه قضاوت کرده‌ایم... و ما باید در آینده سوالات متعددی را به شمول سوالات اساسی پیرسیم و به آن‌ها پاسخ دهیم."

چند ساعت بعد از این بیانیه، مرکل صدراعظم آلمان به شکل علنی چارچوب کلی ساختار اتحاد ماموریت‌های نظامی غرب را زیر سوال برد و هم‌چنان اهداف مورد نظر آن را نیز زیر سوال برده و گفت: "باید دانست که ماموریت ناتو در افغانستان اجازه نقش یک‌جانبه برای آلمان و سایر دولت‌های اروپایی نخواهد داد." صدراعظم مرکل در پاسخ به این سوال که آیا مفکوره "ملت‌سازی" به عنوان بخشی از دورنمای کلی سیاست آلمان باقی خواهد ماند، گفت: "من باید به صراحت بگویم که ما باید این سوالات را از خود پیرسیم. زمانی که ما قادر بودیم که افغانستان را به حیث یک پایگاه (برای تروریسم) خنثی کنیم، همه مواردی که ذکر شد به میان نیامد و آنطور که آلمان توقع داشت پیش نرفت. ما حدود بیست سال در افغانستان باقی ماندیم، در جریان بیست سال آنچه که ما امیدوار بودیم متحقق نشد، لذا باید گفت که تمام آن تلاش‌ها موفقیت‌آمیز نبودند و باید از آن‌ها درس عبرت گرفت... بلی! اهداف باید در چنین ماموریت‌ها کاهش یابد."

وزیر امور خارجه آلمان آقای ماس به تاریخ 2021/08/21، به نوبه خود سیاست "ملت‌سازی و سازمان" همراه با ماموریت‌های نظامی را زیر سوال برده گفت: "ماموریت ناتو در درجه اول این بود که اطمینان حاصل نماید که هیچ عملیات (تروریستی) از خاک افغانستان راه‌اندازی نمی‌شود. سپس ناگهان موضوع در مورد آینده افغانستان تغییر کرد... آیا ماموریت ما برای دستیابی به صلح و حفظ حقوق بشر است؟ آیا این شامل صدور نظام سیاسی ما نیز می‌شود؟ مطمئناً این امر در افغانستان شکست خورده است!"

ماس هم‌چنان ساختار فعلی ناتو و توزیع نقش‌های همراه را با انتقاد، گفت: " درحالی که تصمیمات واقعی توسط واشنگتن صادر می‌شود، آن‌گاه هیچ جایی برای بروکسل بخاطر اشتراک در آن‌ها وجود ندارد، بلکه این (بروکسل) فقط وظیفه پیاده‌سازی آن تصمیم را داراست!"

این بدبینی درحال رشد به جهت فعلی سیاست خارجی و امنیتی آلمان، محدود به نمایندگان دولت نیست. به عنوان مثال، مارکوس کیم، کارشناس موسسه علم و سیاست، در مورد تهدید وزیر امور خارجه مینی بر توقف تمام نوع کمک‌های مالی در صورت ایجاد خلافت، گفت: " این سیاست خارجی آلمان به‌درد نمی‌خورد و منجر می‌شود این وضعیت به سوی آشفتگی برود... به نظر من این شیوه ابزار موثری برای تاثیرگذاری بر طالبان به منظور تغییر رفتار آن‌ها نیست." به گفته کیم، شعار فعلی که عبارت است از عدم به رسمیت شناختن، عدم مذاکره، عدم کمک‌های پولی، هیچ‌گونه استراتژی در برخورد با طالبان را نشان نمی‌دهد. به دلیل شکست سیاست آلمان در افغانستان، صداهای انتقادکننده از ماموریت ارتش آلمان در مالی نیز افزایش یافته است و هم‌چنان فقدان استراتژی آلمان در قبال تغییر مورد انتظار در توازن قدرت در آسیای مرکزی مورد انتقاد قرار گرفته است.

سیگمار گابریل، وزیر مالیه و امور خارجه سابق، آشکارترین انتقاد را وارد کرد که گفت: "سیاست خارجی ارزش‌محور و پروژه آرمان‌گرایانه (ایده آل) "ملت‌سازی" در عراق و افغانستان به شکل بسیار بد و فجیع شکست خورده است. در دو دهه و بیلیون‌ها کمک مالی، اصولاً در ساختار یک بنیاد مستحکم برای چنین پروژه حتی موفق نشده‌اند. تا زمانی که اراده سیاسی در بین صاحبان زمین و نخبه‌گان وجود نداشته باشد، ساختار دموکراتیک را نمی‌توان از خارج به یک کشور تحمیل کرد؛ حتی با استفاده از ابزارهای نظامی و مالی وسیع. به‌جای پای‌بندی به پروژه "ملت‌سازی" ما باید بیش‌تر روی سیاست واقعی تمرکز کنیم که این کار بهتر و کم‌تر جاهلانه به نظر می‌رسد."

با توجه به شکست سیاست آلمان در افغانستان و بحث راهبردی (استراتژیک) در دهلیزهای سیاست آن، حزب‌التحریر بار دیگر از دولت آلمان می‌خواهد تا سیاست خارجی و امنیتی خود را با توجه به توسعه جیوپولیتیکی در حال تغییر جهت داده و از سهم باقی مانده خود در روابطش بهره‌مند شود و رابطه مثبت با کشورهای اسلامی ایجاد کند. برای این کار، آلمان باید از دلبستگی فعلی به نهادهای آتلانتیک‌رهایی یابد و تمام سیاست‌های هژمونی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی را نه تنها در افغانستان بلکه در مالی، سودان جنوبی، کوزوو، لبنان، سوریه، اردن و عراق متوقف سازد. اگر این اتفاق نیفتد، سیاست استعمارجویانه آلمان در کشورهای اسلامی حداقل با تأسیس خلافت متوقف خواهد شد و به یک شکست کلی و تحقیرآمیز تبدیل دچار خواهد گردید که نمونه آن از عکس‌ها و فیلم‌هایی افغانستان به طور واضح محسوس است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

ترجمه: و الله سبحانه و تعالی بر کار خود چیره و مسلط است، ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند.

[یوسف:21]

#Afghanistan #Afghanistan #افغانستان

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - آلمان

شماره صدور: 1443/01

17 محرم 1443 هـ.ق

25 اگست 2021 م

مترجم: احمد احمدی